



دانشگاه بو علی سینا



پایگاه استنادی علوم جهان اسلام

مجموعه مقالات همایش ملی هزار و یک شب ادبیات ایران و جهان



همدان - دانشگاه بو علی سینا
۷ و ۸ شهریور ماه ۱۳۹۶

پایگاه اینترنتی همایش: www.1001shabconf.ir

همایش ملی هزار و یک شب و ادبیات ایران و جهان

The-thousand-and-one-night National Colloquium and the World and Persian Literature



دانشگاه بو علی سینا

The-thousand-and-one-night National Colloquium and the World and Persian Literature

Hamedan-Iran

Bu-Ali Sina University

29th and 30th of August, 2017



پژوهشگاه تخصصی زبان و ادبیات ایران



پایگاه استنادی علوم جهان اسلام



مرکز ملی زبان و ادبیات فارسی



بنسب یاد ایران شناسی



مرکز تحقیقات اطلاع رسانی علوم و فناوری



مرکز تخصصی آموزش زبان فارسی برای گویشوران غیر فارسی زبان
Center for Teaching Persian to Non-Persian Speakers



مرکز ملی آموزش زبان فارسی برای گویشوران غیر فارسی زبان
National Center for Teaching Persian to Non-Persian Speakers



www.1001shabconf.ir

مجموعه مقالات همایش ملی هزار و یک شب و ادبیات ایران و جهان

:

دیرخانه کمیته علمی همایش ملی هزار و یک شب و ادبیات ایران و جهان

:

دکتر سید مهدی مسبوق - دکتر حمید آقاجانی

همدان - دانشگاه بوعلی سینا

۷ و ۸ شهریورماه ۱۳۹۶

همایش ملی هزار و یک شب و ادبیات ایران و جهان

(اولین: ۱۳۹۶: همدان)

مجموعه مقالات همایش ملی هزار و یک شب و ادبیات ایران و جهان/ گردآوری و تدوین: سیدمهدی مسبوق، حمید آقاجانی. همدان: دانشگاه بوعلی سینا، ۱۳۹۶. ۹۳ ص. شابک: ۴-۲۴۵-۱۲۸-۶۰۰-۹۷۸	PJA ۳۴۸۶ /۵۴۵ ۱۳۹۶
۱- هزار و یک شب - کنگره‌ها ۲- هزار و یک شب - نقد و تفسیر الف. مسبوق، سیدمهدی، ۱۳۵۵ - ب. آقاجانی، حمید، ۱۳۵۳ - ج. عنوان رده دیویی: ۸۹۲/۷۳۳۴	

عنوان کتاب: مجموعه مقالات همایش ملی هزار و یک شب و ادبیات ایران و جهان

گردآوری و تدوین: دکتر سیدمهدی مسبوق - دکتر حمید آقاجانی

ویراستار: مائده السادات میرطلاتی

صفحه آرایی: طیبه نوروزی - حسین پوروهایی

طراح جلد: شهرام عظیمی - سیدمهدی دزفولیان

چاپ اول: شهریورماه ۱۳۹۶

شمارگان: ۲۰۰ نسخه

صفحه و قطع: ۱۲۹۴ صفحه - وزیری

لیتوگرافی، چاپ و صحافی: چنار

ناشر: انتشارات دانشگاه بوعلی سینا

مدیر مسئول انتشارات: محمد جواد یداله‌هی فر

شابک: ۴-۲۴۵-۱۲۸-۶۰۰-۹۷۸

کلیه حقوق برای انتشارات دانشگاه بوعلی سینا محفوظ است.

مراکز توزیع:

همدان - دانشگاه بوعلی سینا - اداره انتشارات - تلفکس: ۰۸۱۱-۳۸۳۸۰۶۸۹

همدان - خیابان شهید فهمیده - روبروی پارک مردم - نمایشگاه و فروشگاه اداره انتشارات دانشگاه بوعلی سینا

فهرست مندرجات

- ❖ پیشگفتار.....
- ❖ اعضاء کمیته علمی و اجرائی همایش ملی هزار و یک شب و ادبیات ایران و جهان.....

چکیده مقالات منتخب:

<u>صفحه</u>	<u>عنوان مقاله و نام نویسنده</u>
۱	❖ بررسی جادو و جادوگری در قصه‌های هزار و یک شب بر اساس اساطیر ایران و اسکاندیناوی..... مژگان آب‌خفته، طیبه آب‌خفته
۱۳	❖ تحلیل عنصر شخصیت در بیست داستان اول هزار و یک شب..... فهمیه آهنگرنژاد
۲۸	❖ بررسی عناصر اسطوره‌ای در داستان‌های هزار و یک شب..... بهزاد آتش‌زر، عباس مظلوم، بتول محسنی‌راد
۳۸	❖ نشانه‌شناسی سه داستان کلیدی هزار و یک شب از منظر پیرس..... ژینو ابراهیمی، لادن جواهری
۶۲	❖ بررسی بسترهای اجتماعی مؤثر بر سبک تصویرسازی صنیع‌الملک در نسخه خطی هزار و یک شب..... نقیسه انور عسری
۸۱	❖ حقوق زن در هزار و یک شب (بر مبنای حقوق بشر سازمان ملل متحد)..... امینه احسانی
۹۰	❖ هزار و یک شب و سینمای ایران و جهان..... بهاء‌الدین اسکندری، سعید شعبانی، حامد فرجی
۱۰۴	❖ بررسی قصه‌های هزار و یک شب با رویکرد نقد پسا استعماری..... فرناز اکبری‌ان بزدلی
۱۲۷	❖ واکاوی علل سقوط برمکیان از داستان‌های هزار و یک شب..... محمدحسین امانت
۱۴۱	❖ بازتاب امثال در هزار و یک شب..... محمد ابراهیم ایرج‌پور، فرحناز رئیس‌نافچی
۱۵۰	❖ بررسی عناصر داستانی در فابل‌های «هزار و یک شب».....

- برادران گریم).....
- مینا مهرآفرین، حافظ حاتمی
- ❖ طوطی یا شهرزاد قصه‌گوی دوره فتحعلی خان قاجار.....
- ۱۰۹۸ بهاره موذن
- ❖ ساختار پیرنگ در حکایت «ملک شهرمان و پسرش قمرالزمان» از هزار و یک شب.....
- ۱۱۰۸ سیدرضا میراحمدی، مقصود بخشش
- ❖ زبان تصویر در کتاب هزار و یک شب کودکان.....
- ۱۱۱۹ هانیه میرزایی، شهریار اسدی
- ❖ بررسی عناصر داستانی رمان «احلام شهرزاد» طه حسین و افسانه «هزار و یک شب»
- ۱۱۳۳ ایرانی.....
- سکینه ناروئی پور، امیرحسین رسول‌نیا
- ❖ تبیین جلوه‌های قصه‌های هزار و یک شب در ادبیات اروپا.....
- ۱۱۵۱ فرشته ناصری
- ❖ تحلیل کهن‌الگویی حکایت ملک شهرمان و قمرالزمان.....
- ۱۱۶۲ صدیقه نصیری، سمیه نیکونظری، مایا گوزل‌بهمن
- ❖ بررسی شیوه طسوجی در ترجمه اشعار عربی «هزار و یک شب» و کارکردهای آن.....
- ۱۱۷۲ یوسف نظری، کوثر تقوایی فر
- ❖ نسبت حکایت (به مثابه رسانه) و قدرت در هزار و یک شب براساس نظریه بازنمایی.....
- ۱۱۹۵ کاظم نظری، پوریا موسوی
- ❖ سکوت سخن از هزار و یک شب سخن تا هزار و یک روز سکوت (بررسی شخصیت
- ۱۲۰۸ الفت در فیلم شماره ۱۴۳).....
- زهرا نورائینیا
- ❖ بررسی نمادین جایگاه زن در داستان‌های هزار و یک شب.....
- ۱۲۳۲ عاطفه نوین، امین نوین
- ❖ ادوار السندباد فی قصبده «وجوه السندباد» للشاعر خلیل حاوی.....
- ۱۲۴۷ احمد نهیرات
- ❖ ردپای هزار و یک شب در ادبیات داستان‌نویسی معاصر عربی (نمونه موردی رمان رمل
- ۱۲۶۲ المایه اثر واسینی الأعرج).....
- طارق یاراحمدی

بررسی عناصر داستانی رمان «احلام شهرزاد» طه حسین و افسانه «هزار و یک شب» ایرانی

سکینه ناروئی پور^۱

امیرحسین رسول‌نیا^۲

چکیده

طه حسین به سال ۱۸۸۹م در مصر دیده به جهان گشود. او از نقادان و ادیبان معاصر جهان عرب است که نظریات نقدی وی در زمینه‌های مختلف ادبی و اجتماعی بر مبنای فلسفه شک «دکارت» شکل گرفته است. جنجالی‌ترین نظریه نقدی‌اش که باعث جنبش عظیمی در دنیای ادبیات عرب شد مربوط به جعلیات یا همان انتحالی است که به اعتقاد او در ادبیات عصر جاهلی وارد شده است. او شخصیتی است واقع‌گرا و می‌کوشد موضوعها را همان گونه که هست به تصویر بکشد. نویسنده نایب‌المری در آثار اجتماعی خود واقعیت‌های جامعه را دست‌مایه پژوهش‌هایش قرار می‌دهد و در داستان‌ها با انتخاب شخصیت‌های فرضی از محیط واقعی اطراف، با زبان قصه اندیشه‌های ذهنی خود را به خواننده منتقل می‌سازد. یکی از آثار اجتماعی وی «رمان احلام شهرزاد» (خواب‌های شهرزاد) است که با الهام از داستان هزار و یک شب ایرانی نوشته شده است. نویسنده در این کتاب بحران مصر در طول جنگ جهانی دوم را به تصویر می‌کشد و از رهگذر شخصیت اسطوره‌ای آن به بیان دغدغه‌ها و مصائب کشورش می‌پردازد. این جستار به روش کتابخانه‌ای و بر مبنای تحلیل و توصیف به بررسی ساختار و عناصر و محتوای داستان رمان «احلام شهرزاد» و افسانه «هزار و یک شب» می‌پردازد و سعی دارد ضمن واکاوی این مفاهیم، به جنبه‌های قابل توجه آنها بپردازد. دستاورد تحقیق بیانگر این است که طه حسین با پناه بردن به افسانه «هزار و یک شب» و اسطوره «شهرزاد» از زاویه‌ای جدید و متفاوت و به فراخور تجربه‌های معاصر به بازتاب مسائل جامعه می‌پردازد.

کلیدواژه‌ها: طه حسین، ادبیات داستانی، رمان احلام شهرزاد، افسانه هزار و یک شب، نقد اجتماعی.

مقدمه

به مطالعه روابط تاریخی ادبیات ملتی با ملت‌های دیگر و چگونگی برقراری پیوند میان آنها و تأثیراتی که بر یکدیگر داشته‌اند و مطالبی را که با یکدیگر مبادله کرده‌اند، ادبیات تطبیقی می‌گویند (ندا، ۱۳۸۴: ۲۷). در سال ۱۹۵۸م مکتبی به نام «مکتب آمریکایی» معروف گشت؛ روش این مکتب

۱- دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه کاشان

۲- استادیار گروه زبان و ادبیات عربی، دانشگاه کاشان

نقد مستقیم و بی‌واسطه ادبیات است؛ برخلاف مکتب فرانسوی یا «تاریخ نگری» که به اثرگذاری و اثرپذیری تاریخی توجه دارد و در جستجوی این است که آیا بین دو اثر ادبی ارتباط تاریخی وجود دارد یا خیر، اهداف این مکتب نزدیکی بیشتر با تفکرات «گوته» در راستای همکاری بین‌المللی است و سعی بر رسیدن به «حقایق» انسانی بر پایه معماری ادبی متجلی در ادبیات انسان‌ها در هر زمان و مکان بود» (خضری، ۱۳۹۰، ۱۲).

در داستان هزار و یک شب، شهریار پادشاهی افسانه‌ای از روزگار کهن است که چون از خیانت همسرش با یک غلام مطبخی آشنا می‌شود او را به قتل می‌رساند و از آن زمان به بعد، از بیم خیانتی دیگر هر شب دختر باکره‌ای را به بستر می‌برد و بامداد دستور می‌دهد سر از تنش جدا کنند. پس از اینکه این بکارت برداشتن و کشتن ادامه می‌یابد، دختر وزیر که «شهرزاد» نام دارد برخلاف میل پدرش داوطلب می‌شود که نامزد بعدی بستر پادشاه شود. چون او را نزد پادشاه می‌آورند از وی می‌خواهد که اجازه دهد خواهرش «دنیا زاد» ندیمه او باشد. شهرزاد از پیش به خواهرش یاد داده است که در زمان معین از وی بخواهد که برایش داستانی بگوید و او را بی‌آنکه دیده شود در اتاق خوابش جای داده است. دنیا زاد منتظر می‌ماند تا وقتی پادشاه از خواهرش تمتع برمی‌گیرد. آن‌گاه در زمانی که مناسب می‌بیند از شهرزاد می‌خواهد که برایش قصه بگوید. شهرزاد خواست او را با گفتن حکایت بازرگان و عفريت بر می‌آورد اما چون داستان را در آن شب به پایان نمی‌رساند شهریار برانگیخته می‌شود که کشتن او را به عقب بیندازد تا پایان داستان را در شب دیگر گوش کند. شب بعد داستان ادامه می‌یابد اما به پایان نمی‌رسد؛ زیرا شهرزاد قصه دیگری در وسط آن قصه آغاز می‌کند که با رسیدن صبح به پایان نمی‌آید. به این ترتیب، کار بر همین منوال چند سال (دو سال و ۲۷۱ روز) ادامه می‌یابد و اگر ما هزار و یک شب را میزان قرار دهیم شهرزاد هر شب برای نجات جان خود به قصه‌گویی می‌پردازد. سرانجام وقتی گنجینه بزرگ قصه‌هایش به پایان می‌رسد که مادر چند فرزند شده است و پادشاه از تصمیم اصلی او که کشتن او بوده است در می‌گذرد (بدره‌ای، ۱۳۸۵: ۵).

مضمون و ساختار اثر بررسی شده مطابق با چهارچوب اندیشه و افکار نویسنده است که وی به صورت غیرمستقیم به بیان مشکلات جامعه پرداخته و بازتاب آنها را در عناصر ادبی و هنری اثر مذکور می‌توان مشاهده کرد. بررسی چگونگی کارکرد ساختار و عناصر داستان و مسائل روزگار نویسنده به عنوان مسئله تحقیق تعیین شده است که در همین راستا سؤال‌های زیر طرح می‌گردد:

شخصیت‌های اصلی رمان «أحلام شهرزاد» چه ویژگی‌های رفتاری برجسته‌ای در مقابل شخصیت‌های اصلی افسانه «هزار و یک شب» دارند؟

آیا رمان «أحلام شهرزاد»، توانسته از نظر محتوا و مضمون در بیان واقعیت‌هایی که از دریچه هنری ذهن نویسنده عبور می‌کند، موفق باشد؟

پیشینه تحقیق

هزارو یک شب ترکیبی از داستان‌ها و افسانه‌های قدیمی با اصلیت هندی- ایرانی است، که تبلوری از ادبیات، احساسات، ارزشهای اخلاقی و اجتماعی و به طور کل فرهنگ و روحیات شرق و خصوصاً این دو کشور محسوب می‌شود که به اکثر زبان‌های زنده دنیا ترجمه شده است. درباره هزار و یک شب آثار و مقالات فراوانی به رشته تحریر درآمده است که مطالعه آن آثار، مبنای پژوهش حاضر می‌باشد از جمله:

مقاله بن‌مایه‌های افسانه شهرزاد ایرانی در نمایشنامه شهرزاد توفیق الحکیم از دکتر حسین نوین، فرامرز میرزایی، مجله زبان و ادبیات عربی، شماره ۴، بهار و تابستان ۱۳۹۰. در این مقاله با روش تطبیقی به تحلیل این نمایشنامه با داستان هزار و یک شب پرداخته شده است. که نتیجه تحقیق بیانگر آن است که توفیق حکیم با تصرفی ادیبانه در اصل داستان، به نمایشنامه خود صورت نمادین و عرفانی بخشیده است.

- **مقاله تأثیر پذیری نجیب محفوظ از هزار و یک شب** از زینب قاسمی اصل، مجله انجمن زبان و ادبیات عربی، شماره ۲۵، زمستان ۱۳۹۱. این جستار به بررسی تطبیقی میان این دو اثر، تبیین شباهت‌ها و تفاوت‌های آنها از جنبه ساختار و عناصر داستان و نیز از جنبه محتوایی و مضمون پرداخته است.

- **مقاله مقایسه تطبیقی عناصر جادویی هزار و یک شب و داستان‌های هری پاتر**، سید مهدی عباسی، نشریه ادبیات تطبیقی، شماره ۱۱، پاییز و زمستان ۱۳۹۳. این جستار عناصر جادویی در دو داستان را با روش تطبیقی بررسی کرده و بیانگر آن است که دیدگاه نویسندگان هزار و یک شب کلی است و جادوی سنتی و همان عناصر جادوی معمولی مثل عصا و آینه و خاتم در آن بکار رفته است اما دیدگاه نویسندگان هری پاتر جزئی است و با پیشرفت علم عناصر جادو در آن تغییر یافته است.

- **مقاله بررسی تأثیر هزار و یک شب بر پیشگامان هنر نمایش نامه نوین عربی**، زینب قاسمی اصل (دانشجوی کارشناسی زبان و ادبیات عرب دانشگاه تهران)، پژوهش‌های نقد و ترجمه زبان و ادبیات عربی. سال ۲، شماره ۵، زمستان ۱۳۹۱. این پژوهش به بررسی نقش هزار و یک شب در شکوفایی نمایشنامه‌های عربی پرداخته است که دستاورد این تحقیق اثبات قابلیت‌های هزار و یک شب از طریق بررسی نمونه‌ها و دوره شکوفایی نمایشنامه نوین از قرن نوزدهم به بعد می‌باشد.

- مقاله تأثیر هزار و یک شب بر ادبیات انگلیسی از فهد محمد طالب سعیدالعولقی (استاد دانشگاه ملک عبدالعزیز)، ترجمه: شهروز مهاجر، فصلنامه فرهنگ مردم، شماره ۴۳ و ۴۴. این جستار به بررسی تأثیر هزار و یک شب بر ادبیات انگلیسی می‌پردازد و نتیجه آن است که هزار و یک شب هم از لحاظ ساختار و هم از لحاظ مضمون بر ادبیات انگلیسی تأثیر گذاشته است و در میان غربیان از محبوبیت زیادی برخوردار است

هر چند که در پژوهش‌های مذکور افسانه «هزار و یک شب» با آثار ادبای معاصر مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته اما تا جایی که نگارندگان اطلاع دارند پژوهشی در زمینه تطبیق رمان «احلام شهرزاد» و افسانه هزار و یک شب در مقالات و سایت‌های معتبر، پژوهشی در این زمینه انجام نگرفته است.

گذری بر زندگی طه حسین و خلاصه رمان «احلام شهرزاد»

طه حسین، در نوامبر سال ۱۸۸۹م برابر با سال ۱۲۸۶ ه.ش در استان «المنیا» و در شهر «مغغه» و در روستای عزیر مصر چشم به جهان گشود. او هفتمین فرزند خانواده و پنجمین آنها از یازده برادر و خواهر تنی بود. پدرش علی حسین، کارمندی ساده در یک شرکت قند و شکر دولتی بود (الفاخوری، ۱۹۸: ۳۳۶). تحصیلاتش را در مکتب‌خانه روستا آغاز و سپس به همراه برادر بزرگترش وارد دانشگاه الازهر شد. در نهایت در سال ۱۹۱۴م. برای ادامه تحصیل به فرانسه رفت و به مطالعه روانشناسی، فلسفه، علوم اجتماعی و تاریخ یونان پرداخت. بعد از مدتی، به مصر بازگشت و به تدریس و تحقیق پرداخت و کتابها و مقالات بسیاری را به دنیای ادبیات عرب عرضه کرد.

طه حسین از زمانی که به مصر بازگشت، بقیه عمر خود را به تدریس در دانشگاه پرداخت و حدود هفتاد اثر ارجمند و دهها مقاله از خود به جای گذاشت. (خدیوجم، ۱۳۶۴: ۳۷۹) و سرانجام، در ۲۸ تشرین الاول (اکتبر) سال ۱۹۷۳م در سن هشتاد و چهار سالگی، چشم از جهان فروبست (حنالفاخوری، ۱۹۸۷: ۳۳۶). از مهم‌ترین آثار اجتماعی وی: «الوعد الحق» (وعدۀ راست)، «فلسفۀ ابن خلدون الاجتماعیة» (فلسفه اجتماعی ابن خلدون)، «مستقبل الثقافه فی مصر» (آینده فرهنگ در مصر) و «قاده الفکر» (پیشوایان اندیشه) می‌باشد (همان: ۳۵۴). از دیگر آثار او می‌توان به «لایلم» مشهورترین اتوبیوگرافی در جهان عرب و «دبنا الحدیث»، «التجدید و التقليد»، «جنه الحیوان»، «جنه الشوک»، «رحله الربیع و الصیف»، «شجره البؤس»، «علی هامش السیره»، «مرآة الاسلام» و «الوعد الحق» اشاره کرد.

طه حسین در رمان «احلام شهرزاد» داستان‌های هزار و یک شب را پی می‌گیرد. شهریار طه حسین با وجود آن همه نعمت احساس خوشبختی نمی‌کند و از درون، افسرده و ناراحت است و شهرزاد قصد دارد با آخرین داستان خود، عشق را در دل او زنده کند. در این داستان شهرزاد از شب هزارونهم تا شب هزار و چهاردهم برای شهریار داستان می‌گوید با این تفاوت که وقتی پادشاه به خواب می‌رود

داستان‌سرایی را آغاز می‌کند. برای اولین بار در شب هزار و نهم وقتی شهریار در اثر بی‌خوابی در قصر قدم می‌زند به اتاق شهرزاد می‌آید متوجه می‌شود که او، در حالیکه در خواب عمیقی فرو رفته داستانی را روایت می‌کند. از این رو قصه را در قسمت‌های مختلف و ادامه دار در هنگام شب، وقتی به ظاهر خواب است و می‌داند شهریار به بالینش می‌آید، برای او تعریف می‌کند.

شهرزاد به دردهای شاه پی می‌برد و درصدد است در خواب و بیداری به مداوای وی بپردازد. بنابراین خوابش را با بیداری درهم می‌آمیزد و چنان می‌کند که در بیداری خواب ببیند. شهرزاد با داستان‌های شیرینش او را از حب و بغض و حسد و انتقام و مملکت سرگرم نموده تا باز به مقام شاهی بازگردد. داستانی که شهرزاد روایت می‌کند داستان فاتنه دختر شاه پریان، طهمان بن زهمان است. او دختری باهوش و زیرک است که پس از طی فراز و نشیب‌های مختلف، به ستم پادشاهان اقوام پریزاد خاتمه می‌دهد و آزادی و دموکراسی را به جامعه خود، برمی‌گرداند و مردم را در انتخاب پادشاه، آزاد می‌گذارد و پادشاهی را از حالت موروثی بیرون می‌آورد. شهرزاد در داستانی که طه حسین نوشته به ظاهر، یک قصه‌گو است ولی در واقع، یک معلم، یک مربی و یک طبیب است. او فلسفه می‌داند و روش معالجه بیماری‌های روانی را بلد است. او به فکر خود نیست بلکه در پی سعادت جامعه است و می‌خواهد با تربیت شهریار، او را از جهان هوس به عشق پاک بیاورد و خود خواهی او را به نوع دوستی و میل به خدمت به مردم تبدیل نماید. و سرانجام در این کار خود موفق می‌شود.

بررسی ساختار و عناصر داستان

مهم‌ترین شکل داستانی در داستان هزار و یک شب، داستان در داستان است. این شکل اصلاً ویژگی و مشخصه اصلی این کتاب به شمار می‌رود (ثمینی، ۱۳۷۹: ۱۱۸). طه حسین با الگوبرداری از این مشخصه، داستان فاتنه دختر شاه پریان را از زبان شهرزاد روایت می‌کند. هراثر مانند یک ساختمان از اجزای سازنده تشکیل شده است. از برجسته‌ترین عناصر سازنده یک داستان می‌توان به شخصیت پردازی و پیرنگ و زمان و مکان و راوی داستان... اشاره نمود. این رمان براساس چهارچوب کلی داستان هزار و یک شب نوشته شده ولی نویسنده مطابق با گرایشات فکری و شرایط جامعه تغییراتی در آن به وجود آورده است.

شخصیت و شخصیت‌پردازی

شخصیت در لغت به معنی ذات خلق و خوی مخصوص شخص است و در معنی عام، عبارت از مجموعه خصوصیتی است که حاصل برخورد غرایز و امیال نهفته انسان با دانش‌های اکتسابی او در زمینه‌های مختلف اجتماعی می‌باشد. اعمال و گفتاری که از اشخاص داستان سر می‌زند به گونه‌ای که با خصایل و ویژگی‌های خاص آنان هماهنگی و ارتباط داشته باشد (داد، ۱۳۸۴: ۱۷۷). منظور از شخصیت، افراد

داستان‌اند که تقریباً همه کاره داستان شمرده می‌شوند (عبداللہیان، ۱۳۸۰: ۴۹). شخصیت‌ها در داستان، گاه نمایشی و گاه گزارشی به خواننده معرفی می‌شوند. اگر شخصیت‌ها از زبان راوی شناسانده شوند شیوه «گزارشی» است. اما اگر در خلال داستان از طریق گفت و گو حرکات و رفتار شناسانده شوند، «نمایشی» است (همان: ۴۱).

اصلی و فرعی

شخصیت اصلی شخص اول داستان یا نمایشنامه است. شخصیت اصلی را گاه قهرمان می‌نامند. شخصیت اصلی، خوب یا بد، همواره با نیرویی معارض به کشمکش بر می‌خیزد (سیما داد، ۱۳۸۰: ۱۷۹). شخصیت‌های فرعی نیز شخصیت‌هایی هستند که در طرح داستان دگرگونی ایجاد می‌کنند اما قرار نیست با آنها درگیری عاطفی پیدا کنیم، چه درگیری مثبت و چه درگیری منفی. توقع نداریم این شخصیت‌ها در داستان حضور مداوم داشته باشند. خواسته‌ها و اعمالشان می‌تواند پیچشی در داستان ایجاد کند اما در شکل‌گیری جریان پیش‌رونده داستان نقشی ندارند (اسکات کارد، ۱۳۸۷: ۱۱۲). این شخصیت‌ها، تک بعدی هستند، افکار متنوعی ندارند و به سرعت توسط خواننده قابل تشخیص هستند (نجم، ۱۹۶۳: ۱۰۳).

ایستا و پویا

شخصیت ایستا، شخصیتی در داستان است که تغییر نکند یا اندکی تغییر را بپذیرد. به عبارت دیگر در پایان داستان همان باشد که در آغاز بوده است و حوادث داستان بر او اثر نکند و یا اگر تأثیر کند، میزان تأثیر کم باشد (میرصادقی، ۱۳۶۴: ۱۹۴). شخصیت پویا نیز به شخصیتی اطلاق می‌شود که در طول داستان به شکل تدریجی دستخوش تغییر می‌شود و سیر وقایع بر او اثر می‌گذارد (نجم، ۱۹۶۳: ۱۰۴). به عبارت دیگر، حوادث بر آنها تأثیر می‌گذارد و آنان را دگرگون می‌سازد و باعث ایجاد تحولات روحی، رفتاری و اجتماعی در حضور آنان می‌شود. این نوع شخصیت‌ها احساسات و عواطف پیچیده‌ای دارند، در اغلب کشمکش‌ها حضور دارند و اغلب شخصیت‌های محوری و قهرمان هستند (عبدالخالق، ۲۰۰۹: ۴۵).

شخصیت بردازی در رمان «حلام شهرزاد»

طه حسین در رمان «حلام شهرزاد» بر خلاف افسانه هزار و یک شب، شخصیت‌های کمتری را در داستان خود دخالت داده است. وی دو شخصیت اصلی و پویای شهرزاد و شهریار را از داستان هزار و یک شب و دیگر شخصیت اصلی و پویای داستان یعنی فاتمه را که زائیده ذهنش است، به همراه شخصیت‌های ایستا و فرعی همچون وزیر دربار فاتمه و شهریار، غلامان درباری و نظامیان و پادشاهان

فضا، خشکی و دریا را در داستان خود بکار گرفته است. نویسنده در این رمان، با انتخاب عنوان «احلام شهرزاد» ذهن خواننده را بدون کنکاش به داستان هزار و یک شب و شخصیت اسطوره‌ای شهرزاد جلب می‌کند و این عنوان مقدمه‌ای برای ورود به داستان جدید با استفاده از شخصیت‌های کهن می‌باشد.

طه حسین در این رمان، با انتخاب عنوان «احلام شهرزاد» ذهن خواننده را بدون کنکاش به داستان هزار و یک شب و شخصیت اسطوره‌ای شهرزاد جلب می‌کند و این عنوان مقدمه‌ای برای ورود به داستان جدید با استفاده از شخصیت‌های کهن است. با توجه به اینکه روایتگر، تمرکز بسیار گسترده‌ای بر شخصیت‌های اصلی رمان (شهرزاد، شهریار و فاتنه) دارد و از آغاز تا پایان داستان به عنوان شخصیت محوری، مورد توجه راوی است بنابراین برای آشنایی بیشتر با شخصیت‌ها در ذیل مورد بررسی قرار گرفته است.

شخصیت‌های فعال در رمان احلام شهرزاد

شهرزاد

شهرزاد، از شخصیت‌های اصلی و پویای داستان طه حسین است که همچون شهرزاد اسطوره‌ای درصدد است تا با داستان‌سرایی، خودخواهی شهریار را به نوع دوستی و میل خدمت به مردم تبدیل نماید با این تفاوت که این بار در خواب برای شهریار داستان می‌گوید. همچنین بخاطر عشق و علاقه خواهان درمان شهریار است نه بخاطر ترس از او: *تشره هی بذلک فترید أن تطب له فی الحالین، فتخلط یقظته بنومه و تجعله یحلم نائماً و یقظان (طه حسین، ۱۹۸۳: ۵۸۸).*

شهرزاد معاصر قصد دارد با داستان‌سرایی، شهریار را از حب و بغض و حسد و انتقام و مملکت سرگرم نموده تا با درمان وی به نابسامانی‌ها و آشفتگی‌های اجتماعی پایان دهد و او را باز به مقام پادشاهی بازگرداند. شهرزاد در پاسخ شهریار، هدف از درمان وی چنین می‌گوید: *قالت فی کثیر من الدل: سأعرفک منها ما ینبغی أن تعرف لتسترد قوتک و نشاطک؛ و لتعنی برعیتک هذه التي أخذت تهملها منذ حین (همان: ۵۳۸).*

شهرزاد در مرحله بعد با قدرت خیال و سحر و جادو، روح خسته و پریشان شهریار را از فضای پرآشوب قصر به مکانی وسیع و اسرار آمیز می‌برد که در آن، روح و جسم با نواها و نغمه‌های مطبوع موسیقی، درد و اندوه را فراموش می‌کند. همچنین شهرزاد در مرحله بعدی سفر خیالی به دیار عدم، روح دخترکان را که شهریار به قتل رسانده بود به وی نشان می‌دهد که چطور شهرزاد با داستان‌سرایی سبب شده از آنها غافل شود و همچنین با نیروی سحر و جادو روح دخترکان را شادمان نشان می‌دهد.

و نظر الملک من حوله فرأی عجباً. لقد کان یعلم أن شهرزاد قد أقبلت به منذ حین علی غرفة من غرفات القصر لها جدران تحدها و باب یغلق من دونها، و من هذا الباب قد دخلت الوصائف أنفاً، و من هذه الجدران قد نبعث أنغام الموسيقى كما ینساب الماء من العیون الجاریة. لكنه الآن ینظر فلا یرى جدران الغرفة، و ینظر فلا یرى للغرفة سقفاً و لا باباً، و إنما یرى نفسه فی مکان متباعد الأجزاء مترامی الأطراف، قد زین أحسن زینة و أروعها و أعظمها تأنفاً و رشاقه، و قد تقدم هذا المکان فی بحیره تحیط به من جهاته الثلاث و اتصل بالقصر من جهته الرابعة، فکأنه ید قد مدها القصر فی هذه البحیره لتأخذ منها شیئاً. و هذا المکان الواسع الرائع یغمره الجو الموسیقی ذاک، كما کان یغمر تلك الغرفة الضيقة الساذجة. ولكن شیئاً آخر قد ظهر فی هذا المکان، فهؤلاء أزواج من الفتيات و الفتيان قد حسنت وجوههم و اعتدلت قدودهم و غمرهم بشر عجیب و هم فرحون مرحون، یبعثون هنا و یحدون و یتراقصون فی هذه الناحیه و یسمرون فی تلك الناحیه (همان: ۵۵۸).

شهرزاد: أتعرف من هؤلاء الفتيات!؟..

قالت الملک: « و من أين لی أن أعرفن!؟ و هل عرفت شیئاً، أو هل عرفت أحداً مما رأیت و ممن رأیت منذ أمس!؟ »

قالت شهرزاد: قد عرفتین. فأما هؤلاء الفتيات فإنی أعرفک بهن إن شئت. ولكن أمسک علیک نفسک و أمسک علیک راحتک و أمسک علیک ما یملاً قلبک من غبطة بهجة و نعیم. هؤلاء الفتيات هن اللاتی لم ترسلین إلى الموت لأن شهرزاد شغلک عنهن بما قصت علیک من أبناء ماضی و بما تقص علیک أبناء المستقبل. و ستشغلک عنهن بما تعرف فیها و ما تنکر منها من وضوح و غموض. فهن فرحات مرحات، تراهن الآن یصورن النعیم کل النعیم، و منهن الراضیه کل الرضا، و منهن الساخطة کل السخطة، و منهن المترددة بین ذلك، و لکنهن علی هذا فرحات مرحات فیما ترى، لأن حیاتهن لم تقضب فی غیر إبانها، و لأن شبابهن لم یرد عنهن رداً عنيفاً (همان: ۵۷۳-۵۷۴).

این چنین بود که بار دیگر شهرزاد موفق می‌شود شهریار از اضطراب و پریشانی که گریبانگیرش شده بود نجات دهد و او را برای انجام امور ملت آماده سازد.

فاتنه

فاتنه، از دیگر شخصیت‌های اصلی و پویا در رمان احلام شهرزاد است که با حضور محوری خود افکار و ایده‌های نویسنده را در دنیای داستان به دوش می‌کشد و همچنین نقش مکمل و همصدایی شهرزاد را در داستان داراست. شخصیتی زیرک و دانا که با نپذیرفتن خواستگاران طماع، خود و مردمش را اسیر آنها قرار نمی‌دهد؛ زیرا پادشاهان درصدد بودند با ازدواج با فاتنه دامنه حکومت خود را گسترش دهند و به ظلم و ستم خود بر مردم ادامه دهند.

فاتنه، شخصیتی زائیده ذهن طه حسین است که آن را در راستای اهداف خود وارد داستان می‌کند و از زبان این شخصیت به دغدغه‌ها و مسائل دنیای خود می‌پردازد. او نیز همچون شهرزاد از طبقه اشراف جامعه و حاکم سرزمین پریان است که از جادو، علم و فلسفه آگاهی دارد و با جواب رد به خاستگاران پریزاد درگیر جنگی می‌شود که خود و ملتش نظاره گر هستند و آن پادشاهان مشغول حملات و هجوم. در پایان فاتنه پیروز می‌شود و حکومت را حق ملت معرفی می‌کند. مردم فاتنه را به عنوان پادشاه انتخاب می‌نمایند؛ پادشاهی باهوش و درایت که از روی حق برگزیده شد و با عدل حکومت می‌کند؛

تم کل شیء یا مولای کما أردت المملکة وردت إلى شعوب الجن حقوقها المغضوبه، و حریاتها المسلوبه، و تأذنت فاتنة فی شعبها و فی الشعوب الأخرى بأن الأمور الأمم إليها تشرک فیها الملوک و الروساء و کیف تشاء و تقید ملوکها و رؤساءها من القوانین بما تحب، و تشرف علی إنفاذ ملوکها هذه القوانین، و تتخفف من الملوک و الروساء إن خالفوا عن هذه القوانین (همان: ۵۹۷).

در پایان داستان، یکی شدن فاتنه و شهرزاد در سخنان شهریار مشخص می‌شود:

قالت الملک دهشاً فی صوت كأنه یأتی من بعید: یا عجبا! كأنما أسمع حدیث فاتنة
قالت شهرزاد ذاهلة: فاتنة! فاتنة! لیس هذا الأسم علی غریباً، و أحسب أن لی به عهداً قریباً (همان: ۵۹۸).

شهریار

از دیگر شخصیت پویا و اصلی رمان طه حسین، شهریار است که بخاطر حوادث و اتفاقات دوران ملکه بدور و ریختن خون دخترکان بیگناه، در اضطراب و پریشانی است. در این داستان پادشاه، از درون افسرده است و داستان با اضطراب و پریشانی وی آغاز می‌شود: فلما كانت الیلة التاسعة بعد الألف أفاق «شهریار» من نومه مذعوراً، و جعل یتسمع لعله یجد ذلک الصوت الذی أیقظه فلم یسمع شیئا (همان: ۵۱۳).

افسونگری در گفتار و اسرار آمیز بودن داستان‌های شهرزاد در هزار و یک شب، با اینکه سبب خاموش شدن شعله‌های انتقام و کینه تیزی در شاه شهریار شده اما باعث بروز ایجاد حالات و خیالات متناقض در شهریار گردیده مانند حزن و اندوه زمانی که از شهرزاد دور می‌باشد و عشق و شوق زمانی که شهرزاد به وی نزدیک است. این حالات آرامش را از او سلب و احساسات و افکار بی سابقه در او ایجاد کرده است.

شهریار، در داستان طه حسین با وجود آن همه نعمت احساس خوشبختی نمی‌کند. در مجالس و محافل جشن و سرور، تظاهر به خوشی و سعادت می‌کند در حالیکه در باطن منقلب و مضطرب است. از تغییرات وی، مردم و رجال دولتی و درباری در شگفت هستند اما فقط شهرزاد تغییری در او

احساس نمی‌کند و رنج درونی وی را درک می‌کند: ثمّ يذكر هذه الليالي المتتابعة التي شغلته فيها شهرزاد بنفسها و قصصها عن الحب و البغض، و عن الغيرة و الانتقام، و عن نفسه و ملكه، حتى إذا انقضى القصص و رد الى نفسه ملكا كما كان في تلك الأيام السود ردت الى نفسه خواطرها الحمر و عواطفها الثائرة و شهواتها المظطربة المختلطة، و ردّ إليها قبل كل شيء هذا القلق المتصل الذي يفسد الحياة على الإحياء. و نظر فاذا هو بين نفسه هذه المظطربة القلقة الثائرة التي لا يستطيع أن يخلو إليها و بين شهرزاد هذه المحبة المغضبة، الرحيمة القاسية، الفاتنة المفتونة، الواضحة الغامضة، التي لا يعرف لها كنهاً و لا يطمئن منها إلى حال. و هو مقسم بين هذين النوعين من العذاب، يخلو إلى نفسه فيشقيه القلق و الخوف، و يخلو إلى زوجه فيشقيه الحب و الشوق إلى المعرفة و اليأس من إرضاء الحب و من إرضاء الشوق إلى المعرفة (همان: ۵۸۸).

و كان أمر شهریار قد شق على الناس جميعاً؛ فوزرأوه و رجال حاشيته قد أنكروا منه هذا الهدوء الذي لا عهد لهم به، و هذه الدقة في القول و العمل جميعاً، و هذه الدقة فيما كان يوجه إليهم من حديث، و قلة الرضا بما كانوا يقدمون إليه من رد، لأنه كان يريد هم على أن يسطنوعوا الدقة كما يسطنوعها، و يمنعوا في التفكير كما يمعن فيه. و إنما كانت شهرزاد وحدها هي التي لم تنكر من الملك شيئاً و لم ينكر منها الملك شيئاً. كانت تلقى هدوء بهدوء مثله و تفكيره بتفكير أشد منه تعمقاً، و كانت تسمع أحاديث الدقيقة فترد عليه بأحاديث أشد منها دقة، حتى استعجمت أحاديثهما أو كادت تستعجم على الذين كانوا يحضرون مجالسهما من أهل القصر و رجال الدولة (همان: ۵۲۹). شهرزاد با داستانسرایی در خواب سبب می‌شود، تا شهریار را از حب و بغض و حسد و انتقام و مملکت سرگرم نموده تا باز به مقام پادشاهی برگردد و در نهایت موفق به درمان وی می‌شود:

و عاد شهریار إلى غرفته ناعم البال بما سمع، و لكنه كان مظطرب النفس أشد الإضطراب. فلم يكن شهریار كعهد الناس به حين كانت تقص عليه أحاديث «الف ليلة و ليلة» ثائر النفس، جامع الشهوة سىء الظن بالمرأة، مستجيباً لغرائزه حين تدعوه إلى ما تدعو إليه من الخير و الشر، إلا أن يلهي عنها بفتون الحديث، و إنما كان رجلاً آخر قد خلقت شهرزاد خلقاً جديداً (همان: ۵۲۹).

راوی و زاویه دید در رمان «أحلام شهرزاد»:

نخستین نکته‌ای که باید بدان توجه کرد فضای دوران و رویکرد مردمان هر روزگار نسبت به روایت است که دقیقاً با شیوه بهره‌گیری از زاویه دید در پیوند است. از این جنبه فرامتنی که درگذریم فضای درون متنی یعنی خود روایت‌ها در تعیین دیدگاه‌ها موثرند. در روزگاران گذشته تلقی مبهم و معلقی از زمان و شخصیت و مکان و فضای قصه مورد نظر بود که با جهان شناسی ذهن‌گرای آن روزگاران هماهنگی داشت؛ اما در داستان امروز آن چه اهمیت فزون مایه دارد حس کردن مخاطب است با یک لحظه و موقعیت ویژه یک شخصیت. می‌توان این تفاوت نگرش و نگارش را حتی از



سنجش تاریخ نگاری دیروز و امروز دریافت. با این همه در بسیاری داستان‌های نو، گونه ای بازگشت به قصه و بهره‌گیری از پیچیدگی‌ها و ظرافت‌های خاص قصه‌های کهن چشمگیر است. در این میان زاویه دید و به ویژه حضور سحر انگیز راوی در قصه‌های کهن بسیار مورد توجه قرار می‌گیرد (توکلی، ۱۳۸۹، ۶۷-۶۸). برای گفتن داستان دو شیوه مناسب وجود دارد: شیوه سوم شخص و شیوه اول شخص مفرد. در طریقه اول، نویسنده خود را بیرون از صحنه قرار می‌دهد و جریاناتی را که بر اشخاص داستان می‌گذرد به خواننده باز می‌گوید. در طریقه دوم، نویسنده در جلد یکی از اشخاص داستان می‌رود و وقایع داستان را انگار خود شاهد و ناظرشان بوده در آنها شرکت داشته برای خواننده تعریف می‌کند (یونسی، ۱۳۸۶: ۶۹). حضور راوی از منظر دانای کل توانسته است نویسنده را یاری نماید تا بهتر بتواند از زبان شخصیت‌ها بی‌واسطه سخن بگوید و احساسات قهرمانان داستانش را به خوبی منعکس نماید. وی همه چیز را درباره قهرمانان داستان و دیگر شخصیت‌های آن می‌داند. با مراجعه به مطلب فوق می‌توان این مسأله را به خوبی درک کرد. بعد از انتخاب فاتنه به عنوان پادشاه سرزمین پریزادگان، این روز به عنوان مبدأ تاریخ پریزادها به شمار می‌رود که برای آن انقلاب و جشنهایی مفصل می‌گیرند. و این جمله بیانگر این مسأله است که راوی نسبت به همه چیز آگاه است و از حوادث و رویدادهایی که در آینده رخ می‌دهد اطلاع دارد:

و أقامت شعوب الجن یا مولای لهذا الحدیث أعیاداً رائعة، و أرخت به منذ کان و مازالت تؤرخ به إلى الآن. و جعل الجن يتنزلون ببعضه إلى الإنس بین حین و حین، فیفهم الناس عنهم ذلک حیناً و یخطئون الفهم فی أكثر الأحيان. و هذا مصدر ما نری عند الناس من الاختلاف فی نظم الحکم، و من اضطراب العلاقات بین الرعیة و رؤسائها و بین الأمم و الدول (همان: ۵۹۷).

نویسنده مصری با زاویه دید دانای کل به همه جوانب شخصیت‌ها اشراف کامل دارد و با نفوذ در درونشان به بیان عواطف و احساسات درونی و بیرونی آنها می‌پردازد. در نمونه‌های زیر، راوی با هنرمندی خاص، احساسات و حالت‌های درونی و روحی شهریار نسبت به حوادث و اتفاقات گذشته تا زمان بانو شهرزاد را بیان می‌کند. شهریار پس از خیانت ملکه، به انسانی کینه توز تبدیل شده بود و روزگار خود را بین لذت عشق و شهوت انتقام در میان زنان دریاری می‌گذراند. در مجالس و محافل تظاهر به سعادت می‌کرد در حالیکه در درون در آتش خشم و کینه به سر می‌برد. به موجودی بدون حس و شعور و فکر و تدبیر تبدیل شده بود که هر چه در برابرش می‌یافت، نابود می‌کرد. تا اینکه وزیر دخترش را به وی عرضه کرد. شهرزاد، با یک دنیا ترس و عشق و اعتماد ظاهری وارد قصر شد و از پس این ظواهر، هوش و تدبیری عجیب را پنهان می‌نمود و در ادامه شهرزاد با داستان‌هایش وی را از مملکت و بغض و حسد و انتقام سرگرم نموده تا باز به مقام شاهی بازگردد. اما باتوجه به عدم درک شهرزاد و داستان‌هایش بازهم در عذاب و سرگردانی به سر می‌برد:

كان يذكر أيامه تلك السود حين كانت امرأته تلك تخدعه عن نفسه و عن حبه و عن شرفه و تزديره فيما بينها و بين نفسها أشد الازدراء، تستعين على ذلك بوصائفها و جواربها، غير حافلة بما أعطت على نفسها من عهد، و لا أبهتة لجلال الملك و لا مقدرة لعواقب الخيانة و الغدر. و كان يذكر مرارة الانتقام و حلاوته، و نار الغيرة تلك التي كانت تتأجج في صدره فتحرق قلبه تحريقاً، و كانت مع ذلك برداً و سلاماً على نفسه الجريحة الثائرة.

ثم كان يذكر تلك الأيام السود التي أنفقها بعد مصرع نساء القصر نهياً مقسماً بين لذة الحب و شهوة الانتقام، يقبل على اللهو بقلب يظهر الفرح و المرح و الابتهاج و الغبطة، و في ضميره الغيظ و الحنق و البغض الذي لا يطفىء جذوة إلا الدم المفسوك. أكانت أياماً يشرق فيها ضوء النهار، أم كانت ليالي مظلمة لا يهتدى الضوء فيها إلى سبيل؟! أكان في تلك الأيام إنساناً يحس و يشعر و يفكر و يقدر، أم كان قوة مدمرة لا تذر من شيء أتت عليه إلا جعلته كالرميم!

ثم كان يذكر شهرزاد حين عرضها عليه أبوها الوزير و في نفسه كثير من خوف و قليل من رجاء، و حين أقبلت إليه مع الليل تظهر حباً وثقةً و تضرعاً و خوفاً، و من وراء ما تظهر و ما تضرع حيلة واسعة و ذكاء عجيب نفاذ. ثم يذكر هذه اليالي متتابعة التي شغلته فيها شهرزاد بنفسها و قصصها عن الحب و البغض، و عن الغيرة و الانتقام، و عن نفسه و ملكه، حتى إذا انقضى القصة و رد إلى نفسه ملكاً كما كان في تلك الأيام السود ردت إلى نفسه خواطرها الحمر و عواطفها الثائرة و شهواتها المضطربة المختلطة، و رد إليها قبل كل شيء هذا القلق المتصل الذي يفسد الحياة على الأحياء. و نظر فإذا هو بين نفسه هذه المضطربة القلقة الثائرة التي لا يستطيع أن يخلو إليها و بين شهرزاد هذه المحبة المبعضة، الرحيمة القاسية، الفاتنة المفتونة، الواضحة الغامضة، التي لا يعرف لها كنهاً و لا يطمئن منها إلى حال. و هو مقسم بين هذين النوعين من العذاب، يخلو إلى نفسه فيشقيه القلق و الخوف، و يخلو إلى زوجه يشفيه الحب و الشوق إلى المعرفة و اليأس من إرضاء الحب و من إرضاء الشوق إلى المعرفة. ثم يذكر تلك الليلة التي أذنه فيها طائفة ذاك بأن شهرزاد ستستأنف الطلب لنفسه نائمة بعد أن كانت تطب لها يقظة. و إذا هو يسمع من هذا القصة ما يسمع، فينعم بشهرزاد نائمة و يشفي بها مستيقظة. (طه حسين، ١٩٧٥: ٥٨٧-٥٨٨).

راوی درجایی دیگر از داستان، درونیات طهمان بن زهمان را برای خواننده بازگو می‌کند. آگاهی فائده از علم سحر و جادو سبب نگرانی پدرش است زیرا می‌ترسد خونریزی گردیده صلح و دوستی به کار گرفت. بنابراین راوی که از این نیرو در راه مطامع و لذتها مادی و هوسرانی استفاده کند. ولی اکنون و از حوادث و رویدادهای داستان، بدگمانی از بین رفته زیرا دخترش از این نیرو در راه وی نیکی بعد و برای جلوگیری با علم و آگاهی از احساسات و دغدغه‌های درونی طهمان بن زهمان چنین می‌گوید: و کان طهمان بن زهمان نفسه أسعد الجن بهذا الحديث العظيم؛ فقد كان يحب ابنته و يعجب بها و يفتن ببراعتها كما قلت، و كان يرى ارتقاءها إلى العرش حقاً و عدلاً قد رد السلطان إلى أهله

و كل الأمر إلى من ينبغي أن يوكل إليه الأمر. و كان يرى نفسه أسعد من تقدمه من ملوك الجن. فقد ختم ملكه عصرًا قديمًا مضى بحسناته القليلة و سيئاته الكبيرة. و بدأ ملك ابنته عصرًا جديدًا يظهر أن الحسنات فيه ستكون أكثر جدًّا من السيئات، و من يدري! لعله أن يكون خيرًا كله. و كان طهمان بن زهمان ناعم البال قرير العين مبتهج النفس، لأنه يشهد هذه النقلة الخطيرة في حياة الجن؛ و يشهدها تتم على يد ابنته التي يؤثرها بالحب و العطف و الحنان. و كان يقدر أنه قد أنفق ما أنفق من الآف السنين و أنه قد أشرف من حياته على آخرها، و لكنه مع ذلك يأنس في نفسه قوة و أيدًا، و يحس أن سيمد له في العمر حتى يرى ابنته و هي تدبر أمور الملك، و لا يشك في أنه سيرى من تدبيرها العجب العجائب (همان: ۵۸۵).

پیرنگ

واژه پیرنگ از هنر نقاشی وام گرفته شده و به معنای طرحی است که نقاشان بر روی کاغذ می‌کشند و بعد آن را کامل می‌کنند؛ طرح ساختمانی که معماران می‌ریزند و از روی آن ساختمان بنا می‌کنند. واژه ی پیرنگ در داستان (نک. داستان) به معنی روایت حوادث داستان با تأکید بر رابطه علیت می‌باشد. به سخن دیگر، پیرنگ طرح منسجم و هم بسته‌ای است که از جایی آغاز می‌شود و به جایی ختم می‌شود و میان این دو نقطه حوادثی رخ می‌دهد که با یکدیگر روابط علی و معلولی دارند (سیماداد، ۵: ۱۳۷۱).

تقارن زندگی طه حسین با جنگ جهانی دوم و اوضاع آشفته مصر، سبب پناه بردن به افسانه هزار و یک شب و اسطوره شهرزاد گردید. نویسنده مصری، با بازخوانی این افسانه، در پی به تصویر کشیدن و مجسم ساختن مصائب و مشکلاتی است که مصر در طول جنگ جهانی دوم متحمل آن شده است. بنابراین از همان ابتدا با انتخاب عنوان «أحلام شهرزاد» و تصریح به اسم این شخصیت اسطوره‌ای ذهن مخاطب را بدون کنکاش به شخصیت اسطوره‌ای شهرزاد در هزار و یک شب سوق می‌دهد. نویسنده آغاز داستان را با گره افکنی درباره اضطراب و پریشانی شهریار ناشی از حسرت و ناامیدی و اندوه بر روزگار گذشته که سبب بیخوابی و بیزاری وی از خواب و بستر شده بود آغاز می‌کند. نویسنده این اضطرابات روحی و روانی پادشاه را رمزی برای آشفته‌گی مصر در جنگ جهانی دوم و پس از آن در نظر گرفته است. پادشاه در این رمان، تصویری مترادف از درد و رنج ملت مصر است. ترس و ناامیدی که بر او چیره شده نشانگر اندوه و سرگردانی مصریان بعد از جنگ جهانی دوم است که متحمل خسارات فراوانی گشته اند (التلاوی، ۱۹۸۶: ۱۳۰). سپس با ورود شهریار به اتاق ملکه، متوجه داستان‌سرایی شهرزاد می‌شود. وی به دردهای شاه پی می‌برد و درصدد است در خواب و بیداری به مداوای وی بپردازد، بنابراین خوابش را با بیداری درهم می‌آمیزد و چنان می‌کند که در بیداری خواب ببیند. شهرزاد با داستان‌های شیرینش سبب می‌شود، که وی را از حب و بغض و حسد و انتقام

سرگرم نموده تا دوباره به مقام شاهی بازگردد. شهرزاد درحالیکه درخواب به سر می‌برد داستان فاته را برای شهریار روایت می‌کند. «خواب» رمزی برای گذشته در مقابل حاضر است. پادشاه با تفکر دربارهٔ سخنان شهرزاد، در پی راه حلی برای خروج از اضطرابات کنونی است. «شب» الهام کنندهٔ شیها و روزگار سیاهی است که مصر بعد از جنگ جهانی دوم گذرانده است (همان: ۱۳۱). راوی از طریق داستانسرای و پرواز روح و خیال شهریار به بیرون از قصر به گره‌گشایی می‌پردازد. و در پایان شهریار با توصیهٔ شهرزاد به نیکی کردن و توبه و پشیمانی از اعمال گذشته، از پریشانی و اضطرابات روحی‌رهایی می‌یابد و مانند پادشاهی عادل به امور کشورداری مشغول می‌شود.

مکان و زمان

مکان‌ها در داستان هزار و یک شب، معمولاً افسانه‌ای و غیرواقعی هستند. آنچه در مورد شهرها، کشورها و مکان‌های خاص گفته می‌شود قابل اعتماد نیست و نمی‌توان در چهارچوب مرزهای جغرافیایی، آنها را ترسیم کرد؛ زیرا در افسانه‌ها و قصه‌های کهن، توصیف مکان‌ها بسیار کلی است و معمولاً به ذکر نام سرزمین اکتفا می‌شود (قاسمی اصل، ۱۳۹۱: ۱۹۱). طه حسین در رمان «احلام شهرزاد» همچون افسانهٔ «هزار و یک شب» به ذکر کلی مکان‌ها بسنده می‌کند و از پرداختن به جزئیات امتناع می‌ورزد. در داستان هزار و یک شب بعضی از مکانها و کشورها از جمله مصر، دیار عجم، شام، بصره، هند مغرب و یونان ذکر شده اما به مکان اصلی و حقیقی وقوع شکل‌گیری حوادث تصریح نشده است. نویسندهٔ نابینای مصری در روایت خود از سرزمینی به نام «حضر موت» که مکان فرمانروایی طهمان بن زهمان پادشاه پریان می‌باشد نام برده اما اینکه این مکان در شهر یا روستا و در کدام منطقه از جهان قرار دارد سخنی به میان نیاورده است.

زمان، عبارت است از تکرار محسوسی که در درون تغییر محسوس و برگشت ناپذیری روی می‌دهد (تولان، ۱۳۸۶: ۷۸). به طور کلی، در «رمان احلام شهرزاد» دو نوع زمان وجود دارد؛ یکی زمان اسطوره‌ای و دیگری زمانی که تا اندازه‌ای به واقعیت نزدیک است. حوادث و رویدادها در رمان «احلام شهرزاد» از شب هزار و نهم تا شب هزار و چهاردم روی می‌دهد و از نظر زمانی، وقت زیادی را شامل نمی‌شود. از نمونه‌های زمان اسطوره‌ای می‌توان به حضور افراد پریزاد با طول عمر بالا در داستان اشاره کرد که در نمونهٔ زیر به سن ۱۵۰۰۰ سالهٔ پادشاهان پریزاد و همچنین عمر طهمان بن زهمان که به سال ۱۶۰۰۰ می‌رسد، اشاره می‌کند: فقد علمت یا ابنتی أن احدنا من أجيال الجن إذا أتم من عمره خمسة عشر ألفاً من السنين، و جب عليه أن يستعد لفراق الأحياء، و أن ينتظر هذه اللحظة الرهيبة التي يستحيل فيها إلى قبس من نار يمتزج بهذه الجزوة الهائلة التي يدور عليها الكون، و التي تنضج حياة الأحياء، و قد بلغت يا ابنتي سنة عشر ألفاً من العمر (همان: ۵۱۸-۵۱۹).

از نکات برجسته و قابل توجه در این رمان، وحدت زمان و مکان می‌باشد که همزمان با تغییر عنصر زمان، مکان نیز تغییر می‌یابد. با توجه به اینکه حوادث و رویدادهای داستان در دو زمان و مکان متفاوت روی می‌دهد، آشفتگی و نابسامانی در داستان مشاهده نمی‌شود. مکان دارای انواع متعددی است که از مهمترین آنها می‌توان به مکان بسته اجباری، مکان باز، مکان انتقالی و مکان‌های دوگانه اشاره کرد (گلزار خجسته، ۱۳۹۵: ۱۷۴). با توجه به اینکه رمان «حلام شهرزاد» از نوع مکان بسته و مکان‌های دوگانه است به تعریف این دو بسنده می‌کنیم. مکان بسته که مساحت و اندازه آن مشخص شده است؛ مثل خانه، قصر و یا زندان که مکانی بسته و اجباری و همراه با رنج روحی و جسمی است و یا قهوه‌خانه‌ها که مکان‌هایی بسته و محل آرامش و آسایش مردم به شمار می‌روند (همان: ۱۷۵). مکان‌های دوگانه همواره به صورت متضاد و مقابل هم در ادبیات به کار نمی‌روند؛ اما بیشترین کاربرد آن‌ها به صورت متضاد «بسته و باز» است (همان: ۱۸۱).

بررسی محتوا و درون مایه داستان

مضمون، اندیشه اصلی داستان است. پیام داستان است که با زبان نویسنده گفته نمی‌شود ولی خواننده آن را می‌شنود، با قلم نویسنده نوشته نمی‌شود ولی خواننده آن را می‌خواند. مضمون، معنای داستان است؛ معنایی که نویسنده به موضوع می‌بخشد یا از آن اخذ می‌کند و ذره ذره تار و پود شکل داستان مجسّدش می‌سازد (ایرانی، ۲۱۰: ۱۳۶۴). بهترین داستان‌های هزار و یک شب ساختاری هنرمندانه دارند و افسانه‌هایی با پردازش عالی و کاملاً پیچیده هستند؛ اینها به معنای واقعی آثار ادبی محسوب می‌شوند. با آنکه نویسندگان این داستان‌ها ناشناخته هستند اما از اندیشه‌های عالی و بری نبوده‌اند. هزار و یک شب منبع و ماخذ برای تاریخ اجتماعی خاورمیانه در سده‌های میانه و اوایل دوره جدید است. در خود هزار و یک شب داستان‌های دیندارانه و تهذیب بخشی درباره کرامات اولیا و فرازندگان فضیل مند و نیز حکایات تأدیبی و اخلاقی که پایداری، حزم، سخاوت و سجایایی را از این قبیل تلقین می‌کنند فراوان است (بدره‌ای، ۱۳۸۳: ۵-۶). استفاده از میراث فرهنگی گذشته از جمله توجهاتی است که شاعر و ادیب امروزی عرب به آن اهمیت می‌دهد زیرا این امر، ادبیات را پربار و اصیل می‌گرداند. به همین دلیل ادیب معاصر می‌کوشد که بین میراث فرهنگی گذشته و شرایط امروزی ارتباط ایجاد کند و با استفاده از آن، مشکلات و رنج‌های یک عرب را در دنیای امروزی بیان نماید. به تعبیر بهتر به «نو کردن» میراث فرهنگی بپردازد. از سویی پدید آمدن جنبه‌های جدید و تحولات سریع در زندگی امروزه، شاعران معاصر را بر آن داشت که به دنبال زبان جدیدی باشند که متناسب با دنیای نوین باشد. پذیرفتنی نیست که تجربه‌های نو با زبان قدیمی و غیر متناسب بیان گردد. گوناگونی مسائل جامعه، ادیب را بر آن داشته تا با فراخونی

شخصیت شهرزاد از درون مایه داستانی و شخصیتی این اسطوره به بیان مسائل اجتماعی و سیاسی جامعه خود بپردازند.

افسانه «هزار و یک شب» و رمان «احلام شهرزاد» از لحاظ موضوع دو اندیشه متفاوت را مد نظر قرار داده اند. اندیشه محوری و اصلی داستان هزار و یک شب را می‌توان در بیان مسائل اخلاقی و تعلیمی که دارای جنبه‌های پند آموز و عبرت‌انگیز است خلاصه کرد. در رمان «احلام شهرزاد» هدف و موضوع اصلی بیان و بازگویی مسائل و مشکلات سیاسی و اجتماعی و فرهنگی جامعه نویسنده در قالب شگرد نمایشی تکنیک تعدد نقاب می‌باشد به این صورت که طه حسین شخصیت‌هایی چون شهریار و شهرزاد را از دل تاریخ فراخوانده و به شکلی نمادگونه در حوادث امروزی شرکت می‌دهد به گونه‌ای که خود نویسنده به راحتی قادر به تشخیص و تمایز بین میراث تاریخی و ماجرای معاصر نیست. شرایط کشورهای عربی بعد از رهایی از استعمار، چندان تفاوتی با قبل نداشت زیرا حکومت همچنان در مقابل انتقاد به شدت برخورد می‌کرد. و هرگونه اظهار نظر را به معنای انتقاد تلقی می‌کرد و درصدد سرکوب اشخاص و اندیشه‌ها برمی‌آمد. متفکران و ادبای جامعه در آثار و بیانات خویش برای شناخت و آگاهی مردم، درصدد بر ملا ساختن واقعیت‌های اجتماعی، سیاسی و فرهنگی برآمدند و چون بیان اندیشه‌ها و افکار به صورت آزادانه ممکن نبود به خطاب غیرمستقیم و در لفافه سخن راندن روی آوردند. و به اسطوره به عنوان ابزاری برای پرداختن به مسائل ذهنی و فزادنی خود توجه کردند و از آن وجه خیزشی را اراده کردند تا الگوهای کهن را با واقعیت‌های جدید پیوند بزنند. با توجه به تقارن زندگانی ادبای معاصر با اختناق سیاسی در مصر، هر کدام به نحوی از این فضا تأثیر پذیرفته‌اند که نمود آن را در آثار مذکور می‌توان مشاهده نمود.

تقارن زندگی طه حسین با جنگ جهانی دوم و استعمار مصر، از مهمترین مسائلی است که سبب نگارش اثری رمزی- انتقادی در انعکاس مصائب و مشکلات کشورش شد. وقتی استعمار در همه ارکان جامعه مصر نمود پیدا کرده بود که مردم و حکام حقی در انتخاب سرنوشت خود نداشتند و ارتش و کشور در خدمت نیروهای استعمارگر قرار داشت. نویسنده نابینای مصری با نوشتن این اثر درصدد خیزش و بیداری ملی است تا مردم با قیام علیه ظالمان و استعمارگران در راه آزادی سرزمین خود گام بردارند.

نتیجه‌گیری

از ویژگی‌های ادبیات معاصر، ارتباط جدایی ناپذیر آن با مسائل جامعه می‌باشد که تحت تأثیر جریان‌ها و حوادث جامعه به خلق آثار اجتماعی متناسب با حقایق موجود در آن پرداخته‌اند. در این میان ادبیات داستانی و خصوصاً رمان رونق و شکوفایی بی نظیری داشته است؛ زیرا مورد اقبال عمومی است و هدف آن به تصویر کشیدن معضلات جامعه می‌باشد. لذا فضای خفقان و اختناق در جوامع

امروزی عرب، پذیرای اندیشه‌ها و ایده‌ها به صورت آزادانه و مستقیم نبود و به آنها از منظر انتقاد می‌نگرد. از این رو ادیب، در راستای تعهد خود به جامعه، با الهام از تاریخ و فرهنگ بومی و انطباقش با دوران معاصر از اسطوره به عنوان دنیایی برای بیان اندیشه‌های خود بهره جست.

طه حسین با الگوبرداری از ساختار افسانه «هزار و یک شب» داستانی براساس شرایط جامعه مصر نوشته است که شامل یک داستان اصلی است و یک داستان فرعی که در دل داستان اصلی قرار دارد. داستان اصلی، ماجرای شهریار و شهرزاد است. شهریار معاصر بعد از داستانسرایی شهرزاد در هزار و یک شب، فقط دست از کشتن دخترکان بیگناه برداشته و هنوز به طور کامل بهبود نیافته و از درون افسرده و ناراحت است و شهرزاد قصد دارد با داستان خود عشق را در دل او زنده کند. بنابراین از شب هزارونهم تا شب هزار و چهاردهم برای شهریار، داستان می‌گوید با این تفاوت که این بار وقتی به خواب می‌رود شروع به گفتن داستان می‌نماید. قصه‌ای که شهرزاد می‌گوید داستان فاتمه دختر شاه پریان طهمان بن زهمان است. دختری بسیار باهوش که پس از طی فرازونشیب‌های بسیار به ظلم اقوان پریزاد خاتمه داد و دموکراسی را به جامعه بازگرداند و مردم را در انتخاب پادشاه آزاد گذاشت. هدف نویسنده نابینا تکرار دوباره این اسطوره یا پند و اندرز نیست بلکه قصد دارد از رهگذر این اسطوره با استفاده از قاعده اشتراک عینی الیوت و تحت تأثیر تکنیک نقاب صورت غیرمستقیم مسائل و مشکلات را به مردم و حکام مصر گوشزد کند. وی در این اسطوره با بهره‌گیری از تکنیک ادبی تعدد نقاب، از یک سو بر جنبه‌های نمادین رمان خود می‌افزاید و از سوی دیگر از فشارهای حکومت درامان می‌ماند. وی با زدن نقاب شهرزاد بر چهره فاتمه و نقاب فاتمه بر چهره خود از مسائل و مشکلات مصر و همچنین ایده‌ها و تغییراتی که برای رهایی از این بحران نیاز بود را بیان می‌کند.

منابع

کتاب عربی

- احمد التلاوی، محمد نجیب. (۱۴۰۷ هـ ۱۹۸۶ م). طه حسین و فن القصصی، الطبعة الأولى، قاهره: دارالهدایة.
- الفاخوری، حنا (۱۹۸۷ م). تاریخ الأدب العربی، الطبعة الثانية عشرة، بیروت: المكتبة البولیسية.
- حسین، طه. (۱۹۷۵). المجموعة الكاملة لمؤلفات طه حسین، ج ۱۳، مصر: مكتبة مصر.
- نداء، طه. (۱۳۸۴ ش). ادبیات تطبیقی، ترجمه: حجت رسولی، تهران: انتشارات آوام.
- نجم، محمد یوسف. (۱۹۶۶ م). فن القصص، بیروت: دارالثقافة، الطبعة الخامسة.
- القط، عبدالقادر. (۱۹۷۸ م). من فنون الأدب (المسرحية)، بیروت: دارالنهضة العربية.

کتاب فارسی

- اسکات کارد، اورسون. (۱۳۸۷). شخصیت پردازی و زاویه دید در داستان، ترجمه پریسا خسروی سامانی، چاپ اول، اهواز: نشر ریش.
- امامی، نصرالله. (۱۳۷۷). مبانی و روشهای نقد ادبی، چاپ اول، تهران.
- آبروین، رابرت. (۱۳۸۳). تحلیلی در هزار و یک شب، ترجمه: دکتر فریدون بدره‌ای، تهران: مهرآیین.
- ایرانی، ناصر. (۱۳۸۴). داستان، تعاریف، ابزارها و عناصر، چاپ اول، تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.
- بی نیاز، فتح الله. (۱۳۸۷). درآمدی بر داستان نویسی و روایت شناسی با اشاره‌ای موجز به آسیب شناسی رمان و داستان کوتاه ایران، تهران: افراز.
- توکلی، حمیدرضا. (۱۳۸۹). از اشارت‌های دریای بوطیقای روایت در مثنوی، تهران: مروارید.
- تولان، مایکل. (۱۳۸۶). روایت شناسی درآمدی زبانشناختی - انتقادی، تهران: انتشارات سمت.
- داد، سیما. (۱۳۸۰ش). فرهنگ اصطلاحات ادبی، چاپ چهارم، تهران: انتشارات مروارید.
- ثمینی، نغمه. (۱۳۷۹). عشق و شعبده (پژوهشی در هزار و یک شب)، چاپ اول، تهران: نشر مرکز.
- عبدالهیان، حمید. (۱۳۸۰). شخصیت و شخصیت پردازی در داستان معاصر، تهران.
- میرصادقی، جمال. (۱۳۶۴). عناصر داستان، چاپ اول، تهران: انتشارات شفا.
- یونسی، ابراهیم. (۱۳۸۶). هنر داستان نویسی، چاپ هشتم، تهران: نشرنگاه.

مقالات

- خضری، حیدری (۱۳۹۰). پژوهش‌های تطبیقی بین فارسی و عربی؛ گذشته، حال و چشم انداز آینده، نشریه نقد و ادبیات تطبیقی، دوره اول، شماره ۲.
- حدیدی، جواد. (۱۳۷۰). شیوه‌های پژوهش در ادبیات تطبیقی، مجلات زبان و پژوهش‌های خارجی، شماره ۲۵، بهار و تابستان، ۸ صفحه (۱ تا ۴).
- قاسمی اصل، زینب. (۱۳۹۱). تأثیرپذیری نجیب محفوظ از هزار و یک شب، مجله علمی-پژوهشی انجمن ایرانی زبان و ادبیات عربی، شماره ۲۵، صص ۲۰۸-۱۷۷.
- گلزار خجسته، ابوذر. (۱۳۹۵). کارکرد مکان داستان در ارائه عناصر پایداری (بررسی موردی رمان «ذاکره الجسد» اثر احلام مستغنامی)، مجله علمی-پژوهشی انجمن ایرانی زبان و ادبیات عربی، شماره ۳۸، صص ۱۶۹-۱۹۰.